

همای رحمت

پایه گذار علوم ادبیات عرب

تمام زبان‌های رسمی دنیا، دستور زبان دارند و قوانین هر زبانی به مرور زمان به وجود آمده است. حتی امکان دارد قرن‌ها طول کشیده باشد تا برای زبانی، قانون‌های مختلف گذاشته شده باشد. هر ادیب و محققى در طول زمان، اصلی بر قواعد قبلی اضافه کرده و به این ترتیب، زبانی با دستور زبان کاملی ساخته شده است. اما زبان عربی که کامل‌ترین زبان دنیاست، سیر تکاملی متفاوتی داشته و بیش‌تر قواعدش در یک زمان مکتوب شده است. چگونه با هم می‌خوانیم:

روزی ابوالاسود که از صحابه و شاگردان حضرت علی (ع) بود، امام (ع) را دید که در خلوت نشسته و در اندیشه است. از امام (ع) سؤال کرد: «امیرالمؤمنین! در چه اندیشه‌ای هستی؟!»

امام (ع) فرمود: «امروز در کوفه از گوینده‌ای سخنی شنیدم که غلط ادا کرد. باید این مشکل حل شود.»

ابوالاسود با تعجب پرسید: «چگونه می‌توان صحیح سخن گفتن را به مردم آموخت؟»

حضرت (ع) فرمود: «می‌خواهم کتابی در اصول زبان عربی ارائه دهم. پس قلم بردار و بنویس.»

ابوالاسود قلم را برداشت و امام (ع) گفت: «کلام عرب مرکب است از اسم، فعل و حرف ... کلمه یا نکره است یا معرفه ... و اعراب چهار گونه است. رفع و نصب و جر و جزم...»

به این ترتیب، حضرت علی (ع) علم نحو زبان عربی را که در دنیا بی‌نظیر است، پایه‌گذاری کرد.

جرج جرداق، نویسنده‌ی مسیحی که تعصب فراوانی در مورد حضرت علی (ع) داشت، درباره‌ی علم امام (ع) گفته است: «مشیت الهی بود که علی (ع) در علوم عرب هم رکن و اساس باشد. هیچ یک از مردم عرب آن روزگار با او برابر نبودند. قدرت فکر او را در استدلال و منطق از آن جا می‌توان دریافت که پایه‌ی علوم عربی را اول او نهاد و راه را برای دیگران هموار ساخت.»

تیزهوشی و ادراک

ما شیعیان معتقدیم که امامان معصوم علیه‌السلام و حضرت محمد (ص) و نیز حضرت فاطمه (س) علم الهی داشتند؛ یعنی هر چه از آنها می‌پرسیدند، بی‌تأمل پاسخ می‌گفتند و پرسشی نبود که از جوابش عاجز باشند. آنها بر تمام علوم

شجاعت و فداکاری

روزی مردان قریش تصمیم به قتل پیامبر (ص) گرفتند. پیامبر (ص) نیز همراه ابوبکر تصمیم به هجرت گرفت. از بیراهه و در زمانی که مردان قریش احتمال نمی‌دادند، از مکه خارج شدند.

حضرت علی (ع) در خانه‌ی پیامبر (ص) و در بستر او خوابید تا دشمنان متوجه خروج پیامبر (ص) نشوند. در تمام طول شب، در بسته بود و دشمنان در اطراف خانه حلقه زده و منتظر روشن شدن هوا بودند.

حضرت علی (ع) میان مرگ و زندگی تردید نکرد و با پای خویش به سوی مرگ رفت تا جان خود را فدای پیامبر خدا کند. حضرت علی (ع) صدای قدم‌های آهسته و گاه پیچ پیچ آنها را که در گوش یکدیگر نوید مرگ پیامبر (ص) را می‌دادند، می‌شنید. عاقبت سپیده‌ی صبح دمید. شمشیرها از نیام کشیده شدند و مردان قریش به داخل خانه هجوم آوردند؛ اما در کمال حیرت، پسر عموی جوان پیامبر (ص) را دیدند که به جای او در بستر خفته است.

بارون کارادودو، مورخ و محقق فرانسوی، شگفت‌زده از شجاعت و مردانگی امام (ع) می‌گوید: «علی (ع)، آن شجاع بی‌همتا، قهرمان یکه‌تازی بود که دلیرانه در کنار پیامبر جنگید و اعمال برگزیده و معجزه‌آسایی از او پدید آمد که هیچ کس مانند آن را نتوانست. در جنگ بدر، علی (ع) با آن که بیست ساله بود، سواران قریش را به یک‌ضرب تیغ، دو نیم می‌کرد. در جنگ احد، ذوالفقار را به دست گرفت و بر سر دشمنان کلاهخودها را می‌شکافت و بر تن آنان زرها را می‌درید. در یورش به قلعه‌های خیبر، با یک‌دست دروازه‌ی سنگین و آهنین را از جا کند و آن را بالای سر خود سپر ساخت...»

جرج جرداق در وصف او با حسرت می‌گوید: «ای روزگار! چه می‌شد که بر مردم مهر می‌ورزیدی و در هر عصر، مردی همچون علی (ع) با آن خرد و دل و زبان و ذوالفقار عطا می‌کردی؟!»

کلمات آهنگین است. به همین جهت در مدارس اغلب کشورهای عربی، برای تدریس درس بلاغت و فصاحت زبان عربی، کتاب نهج البلاغه را تدریس می‌کنند. بعضی گفته‌اند: «سخن علی (ع) از کلام خدا پایین‌تر و از کلام آفریدگان بالاتر است.»

به تصویری که حضرت علی (ع) از مرگ و مردگان خفته در قبرستان‌ها ارائه می‌دهد. توجه کنید: «جامی نوشیدند و دم فرو بستند. خاموش شدند و گوششان از شنیدن باز ماند. چون در آنها نگری، پنداری که خفته‌اند. آنها همسایگانی هستند که به یکدیگر الفت و انس نمی‌گیرند. دوستانی هستند که به ملاقات هم نمی‌روند. رشته‌ی آشنایی آنها بریده و ریسمان برادریشان گسسته است. همه در یک جا گرد هم جمع آمده‌اند، اما تنها هستند. گویا دوستانی هستند از یکدیگر به قهر جدا شده!...»

قدیم و آینده مسلط بودند و هستند.

همین مسئله است که محققان غیر شیعه را درباره‌ی حضرت علی (ع) به اعجاب واداشته است. چون امام (ع) نه تنها در فقه و قضاوت و امور مذهبی، بلکه در حساب و نجوم و دیگر علوم تبحر داشت و به راحتی مسائل ریاضی را محاسبه می‌کرد.

روزی مردی غیر مسلمان جلوی حضرت علی (ع) را گرفت و به ایشان گفت: «اگر به من بگویی که آن چه عددی است که بر ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ قابل قسمت است و باقی مانده ندارد، من اسلام می‌آورم.»

مرد منتظر بود تا امام (ع) در جواب او مدتی اندیشه کند؛ ولی امام (ع) بدون تأمل پاسخ داد: «تعداد روزهای هفته را در تعداد روزهای سال ضرب کن تا به آن عدد برسی.»

مرد تعداد روزهای هفته، یعنی عدد ۷ را در تعداد روزهای سال قمری، یعنی ۳۶۰ ضرب کرد و در کمال تعجب به عدد ۲۵۲۰ رسید.

امام (ع) در تمام امور چنین تیزهوش بود. چه در قضاوت و چه در زمان تقسیم مالیات و پاسخ دادن به پرسش‌های علمی و مذهبی. به همین دلیل است که شبلی شمیل، از پیشوایان

مادی درباره‌ی امام (ع) می‌گوید: «امام علی بن

ابی‌طالب، بزرگ بزرگان جهان و یکتا

نسخه‌ی زمان بود که جهان شرق

و غرب در عالم قدیم و جدید،

صورتی به سان این نسخه که

مطابق اصل باشد. به خود

ندید.»

بلاغت و

شیوایی سخن

هیچ کس نیست

که کتاب نهج‌البلاغه

را بخواند و شیفته‌ی

این کتاب نشود. این

کتاب مجموعه‌ای از

سخنرانی‌ها و سخنان و

نامه‌های مختلف امام (ع)

است که در زیبایی کلام همتا

ندارد. سخنان حضرت علی (ع)

پر از تشبیهات و استعاره‌های زیبا و

